

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

انینة ایران

علی ناظر
25 نومبر 2024



علی ناظر

یک گام تا ویرانی – تعامل یا تقابل

در گاهنامه بازپیدائی فاشیسم (انگلیسی – جولای 2024) نوشته بودم که جمهوری اسلامی در حال تغییر دکترین خود از عمق ستراتیژیک به دفاع بازدارنده هسته‌ئی است، و آنچه اسرائیل طی این مدت در غزه و لبنان انجام داده و ج.ا. آن را تا حد امکان نادیده می‌گیرد یکی از تبعات این تغییر دکترین است. طی 24 ساعت گذشته سه اتفاق قابل تأمل رخ داده که می‌تواند عملیاتی شدن ستراتیژی مورد نظر جمهوری اسلامی را تسریع کند.

- حکم دادگاه لاهه که نتانیا هو را رسماً جانی شناخته است. طبیعتاً آنهایی که در این مسیر به او یاری رسانده اند به همان نسبت در امر جنایت مشارکت داشته اند.
- محکومیت ج.ا. برای 71مین بار، به خاطر نقض دائم حقوق بشر.
- محکومیت ج.ا. در اجلاس شورای حکام، به خاطر نادیده گرفتن تعهداتش در برجام.

جمهوری اسلامی آنقدر که دیگران فکر می‌کنند اهمیتی به «تصویب هفتاد و یکمین قطعنامه محکومیت رژیم آخوندی به خاطر نقض وخیم حقوق بشر» نمی‌دهد. همچنان که در 46 سال گذشته آدم کشته و شکنجه کرده و خلقی ستمدیده را که از چاله ستمشاهی بیرون آمده بود، به چاه ظلمات انداخته، ولی باز هم به همان روند ادامه خواهد داد. اما، نمی‌تواند در قبال پیام شورای حکام ساکت نشسته و بی توجه از کنار آن بگذرد. باید تعداد سانتریفیوژها را افزایش دهد، باید مقدار ذخیره و درصد غنی سازی را تا حد قبال توجهی بالا ببرد تا جناح هار و حامیان تولید تسلیحات اتمی آرام بگیرند. بعید نیست که تا پایان دسمبر امسال به اندازه کافی ژتون برای تعامل در دست داشته باشند که در مذاکره با دولت فاشیستی ترمپ هزینه کنند. این یکطرف قضیه است.

از سوی دیگر نتانیاهو که مثل سگ زخمی در حال گاز گرفتن دم خود است، و آبروی اسرائیل بیشتر از این نمی توانست زیر سؤال برده شود، ممکن است به پیشنهاد اخیر لیندسی گراهام (از حامیان مجاهدین خلق ایران) گوش کرده و تأسیسات اتمی ایران را مورد تهاجم نظامی قرار دهد.

این حرکت که آرزوی ج.ا. است، همانطور که خمینی می گفت به جنگی منتهی می شود که «موهبت الهی است»، و به جانشین خامنه ای آتو می دهد تا بمب اتمی خود را تولید کرده و جهان را به بازنگری وادارد.

اما چنین خواهد شد، و جهان سلطه در رفتار بازنگری خواهد کرد؟

به نظر من خیر! جهان سلطه گر به دنبال تشدید بحران در پیرامون روسیه و چین است. به تهدیدات اتمی پوتین توجه نکرد و به اوکراین چراغ سبز نشان داد تا از تسلیحات ممنوعه استفاده کند و بلوف پوتین را به نبرد فرا خواند، و مشاهده کردیم که پوتین چگونه عکس العمل نشان داد، تا به آن درجه که المان و کشورهای اسکاندیناوی در حال طراحی ستراتیژی های پدافندی غیر عامل در صورت بروز جنگ جهانی سوم هستند. ساده این که، جهان به سوی درگیری همه جانبه در حال حرکتی شناخته شده است. با توجه به این نکته، نه اسرائیل و نه حامیان اسرائیل از حمله نظامی به ایران نه تنها واهمه نخواهند داشت، بلکه آن را تنها راه برای پیشگیری از توسعه طلبی چین (کریدورها)، روسیه (توسعه طلبی ناتو و پاتک روسیه از غرب و جنوب کشور) می دانند.

با توجه به آنچه که آمد، ج.ا. باید یکی از دو طرح موجود را بپذیرد.

1) عقب نشینی مفتضحانه که باعث ریزش خودیها شده و عاقبت به خوردن جام زهر منجر می شود.

2) ورود به جنگی فرسایشی در نبود بازوهای حماس و حزب الله.

بنا به شواهد، ج.ا. خود را برای طرح دوم آماده می کند، که اولین نمونه آن عملیات علیه «نیروهای تروریستی» در جنوب شرقی ایران است.

و... این آنچیز است که اسرائیل برایش دعا می کرده، تا ترمپ را در مقابل انتخابی جنگ افروزانه قرار دهد. در این طرح، نه تنها نتانیاهو چیزی برای از دست دادن ندارد، بلکه در درازمدت آبروی رفته را بازتولید کرده و حکم دادگاه لاهه از اذهان زدوده خواهد شد.

در صورت وقوع این سناریوی سیاه و ویرانگر، اپوزیسیون با این سؤال کیفی روبه رو می شود که تولید سلاح هسته ئی در راستای منافع ملی است یا نه.

برای پرداختن به این سؤال پیچیده می باید دو واژه هم نام را از هم تفکیک کرد. «منافع ملی» و «منافع مردم». نگاه منافع ملی درازمدت و خارج از بود یا نبود ج.ا. و نظام جمهوری یا سلطنتی و یا... قرار دارد؛ حال آن که منافع مردم به معیشت و مشکلات روزمره ای که مردم با آن درگیر هستند و طبیعتاً «اخلاق» می باید مورد توجه قرار گرفته شود، می پردازد.

شاید مثالی حزن آلود این تفاوت را روشن کند. استفاده بمب اتم در جاپان ربطی به منافع مردم نداشت، بلکه منافع ملی امریکا در نظر گرفته شده بود. در عین حال، تعداد کلاهک های هسته ئی که متعلق به روسیه است از تعداد کلاهک های هسته ئی بریتانیا و فرانسه بیشتر است، اما روسیه سالهاست که درگیر جنگی فرسایشی است، حال آن که اروپا به رتق و فتق مشکلات اقتصادی پسا 2008 و 2016 و پسا کرونا با آن درگیر است، می پردازد. منافع ملی اروپا، در حمایت از اوکراین و آتش افروزی در مرزهای روسیه است، حال آن که منافع مردم وقتی که خط فقر در اروپا خانواده ها را روزانه به خود مشغول داشته، در ادامه جنگ افروزی نیست.

و بالاخره، اگر ج.ا. به منافع مردم توجه می داشت، و کار، نان و مسکن برای مردم مهیا می کرد، بدون شک درصد اعتراضات مردمی کاهش می یافت، و خروج روزانه مردم از کشور به این حد نجومی نمی رسید که امروز است. از سوی دیگر، اگر جمهوری اسلامی در تمامیتش سرنگون شود، شاید تا مدتها منافع مردم لحاظ نشود، اما و بدون شک، احتمال وقوع جنگی ویرانگر خلق ستمدیده را آزار نمی دهد، و به طور حتم منافع ملی ایران تأمین می شود.

در همین چارچوب برخی بر این نکته مصر هستند که «به کار انداختن بند ماشه در قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت ملل متحد و فعال کردن قطعنامه‌های ششگانه شورای امنیت درباره پروژهای اتمی رژیم ایران» می تواند ج.ا. را از دستیابی به تسلیحات هسته ئی بازدارد.

در اینجا می باید یک نکته مورد توجه قرار بگیرد.

با توجه به شرایط امروز (توافق ستراتیژیک چین و روسیه با ج.ا.)، و از آنجائی که امریکا از برجام خارج شده، به کار انداختن بند ماشه عملاً و حقوقاً نمی تواند عملیاتی شود، چرا که امریکا از برجام خارج شده، و بسیاری از موارد «واقعی» امروز از جمله توسعه سانتریفیوژها... برجام را عملاً از وجاهت انداخته است. در نتیجه اصرار بر ورود به «فعال کردن بند ماشه» ائتلاف وقت و در راستای منافع جمهوری اسلامی است.

دیگر این که، از عمر برجام «بند ماشه» تنها 11 ماه مانده است. برای این که بند ماشه بتواند عملیاتی شود، امریکا باید جام زهر نوشیده و دوباره به برجام بازگردد، و پس از بازگشت رسمی به برجام، می شود علیه تخلفات ج.ا. به شورای امنیت شکایت کرد. پس از رأی گیری، و اگر اکثریت به نفع جناح معترض باشد، می توان بند ماشه را فعال کرد. عملاً این روند امکان پذیر نخواهد بود، و پس از مهر- میزان- 2025 «چیزی» به نام برجام و بند ماشه وجود نخواهد داشت.

بیهوده نیست که دیپلمات ها و مسؤولین ج.ا. در دولت وفاق ملی مصر هستند که چیزی به نام برجام وجود ندارد و می باید وارد توافقات و تعامل جدیدی شد.

ج.ا. به این واقعیت پی برده که می شود با جهان سلطه تعامل کرد. نقطه ضعف ج.ا. مردم و اعتراضات تهاجمی و روزافزون مردمی است. به جای پرداختن به ایده های نخنمای «بند ماشه»، می باید تمام توان را بر ساماندهی اعتراضات مردمی متمرکز کرد، تا سناریوی تعامل ج.ا. با ترمپ فاشیست به تقابل ج.ا. با مردم تغییر ماهیت دهد.

نومبر 22, 2024 7:27 ب.ظ | [علی ناظر](#) by